

جامعیت قرآن کریم

نسبت به علوم و معارف الهی و بشری (۲)

در ادامه اقتراح پیشین درباره «جامعیت قرآن کریم» این شماره را به پاسخ حضرت آیت الله سید حسن مرعشی شوشتری زینت می‌بخشیم با سپاسمندی از ایشان تأکید می‌کنیم که صفحات مجله برای پاسخ به این اقتراح در شماره‌های دیگر نیز گشوده است.

□ سؤال - آیا قرآن کریم نسبت به علوم و موضوعات الهی و بشری جامعیت و کلیت دارد؟ و آیا پاسخگویی همه آن مسایل است؟ در صورت مثبت بودن جواب، مکانیزم استخراج پاسخ سوالات از ظواهر قرآن و سنت چیست؟

آیت الله سید حسن مرعشی شوشتری - بحث جامعیت قرآن کریم نسبت به علوم و موضوعات الهی و بشری، همیشه در بین مسلمانان و احياناً در بین افراد غیر مسلمان مطرح بوده است، و همانطوریکه از آیات و روایاتی که در این مورد نازل شده به دست می‌آید، قرآن کتابی است کامل و جامع که می‌تواند کلیه نیازهای بشری را مرتفع سازد ولی باید مقصود از جامعیت قرآن مورد بحث قرار گیرد که آیا مقصود از آن، این است که قرآن شامل تمام علوم انسانی و تجربی می‌شود و کلیه اصول و قواعد این علوم در قرآن هست.

در پاسخ به این سؤال باید گفت قرآن، هر چند که در میان کتب آسمانی از ویژگی خاصی برخوردار است و می‌تواند نوری برای انسانها باشد تا آنان را هدایت کند و از گمراهی برهاند، اما مقصود از آن این نیست که در قرآن کلیه اصول و قواعد علوم وجود دارد؛ مثلاً اگر کسی کتابی را در طب تألیف کند و بگوید کتاب من کتابی است جامع و کلیه مسائل را دربردارد، مقصود از آن این نیست که در کتاب طب مسائل فیزیک هم هست و اگر چنین ادعایی کند نه تنها غلط است بلکه بی‌معنی و نامعقول هم خواهد بود. بنابراین وقتی می‌بینیم خداوند پیامبری را به رسالت برمی‌گزیند و بر او کتابی نازل می‌سازد به هیچ وجه نمی‌خواهد بوسیله آن پیامبر و کتابش به مردم درس فیزیک و شیمی بدهد و یا علوم ریاضی بیاموزد و یا طب و داروسازی یاد دهد و اگر بخواهد چنین مطالبی را یاد دهد در واقع از مقاصد اصلی خود باز مانده است با این ترتیب اگر ما بخواهیم دربارهٔ جامعیت قرآن بحث کنیم لازم است ببینیم خداوند، پیامبران را برای چه هدفهایی به رسالت برگزیده است. وقتی این مسأله را مورد بررسی قرار می‌دهیم، می‌بایم که قرآن مجید اهداف پیامبران را به وضوح بیان کرده و می‌فرماید:

﴿هو الذی بعث فی الاممین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یتزکیهم و

یعلمهم الکتاب و الحکمة﴾^۱

و یا می‌فرماید:

﴿انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً و داعیاً الی الله باذنه و سراجاً

منیراً﴾^۲

و همچنین اهداف خود را در ضمن داستانهای پیامبران گذشته توضیح می‌دهد. و زندگانی ملت‌های گذشته را که از خدا بدور بودند و بت‌ها و خورشید و ماه و سنگ و چوب و خرما را عبادت می‌کردند، بیان می‌فرماید تا عبرتی برای دیگران شده و راه راست و درستی را پیشه خود سازند. و اگر در قرآن مجید احیاناً مسائلی در ارتباط با خلقت عالم و انسان و درختان و گیاهان و حرکت ستارگان و سایر امور طبیعی مشاهده می‌گردد نیز در راستای همین اهداف است و می‌خواهد با تأکید تمام و فراوان انسان‌ها را بیدار کرده و بسوی خدا هدایت کند لذا وقتی در سوره الرحمن دربارهٔ خلقت انسان و آموختن زبان به او، حرکت حساب شده و دقیق خورشید و ماه، رفعت آسمان و وضع زمین، خلقت دریاها و حکمت‌هایی که در آنها وجود دارد و کشتی‌هایی که در دریا

۱ - سوره جمعه / ۲.

۲ - سوره احزاب / ۴۵ و ۴۶.

حرکت می‌کنند می‌پردازد و راه رسیدن به اقطار آسمانها و زمین را گوشزد می‌کند و به او می‌فهماند که با سلطان علم و دانش می‌تواند به آن قله‌های رفیع و برج‌های عالی برسد، هدف خود را که حرکت به سوی خود باشد در ضمن آیات متعددی به طور مکرر بیان می‌کند و می‌فرماید ﴿فبأی الآء ربکما تکذبان﴾. و یا مثلاً وقتی در سوره ملک می‌فرماید:

﴿الذی خلق الموت و الحیوة لیبلوکم ایکم احسن عملا و هو العزیز الغفور، الذی خلق سبع سماوات طباقا ما ترى فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل ترى من فطور﴾^۱

می‌خواهد با این آیات و سایر آیاتی که پس از آن ذکر شده‌اند بشریت را از کفر ورزیدن به خدا باز دارد و آنها را از عذاب آخرت بترساند و هر کس با دقت در آیات قرآن بنگردد در تک تک آن آیات به این حقیقت و واقعیت بسیار روشن واقف می‌گردد، و تردیدی پیدا نخواهد کرد که قرآن در خلال آگاهی دادن انسانها به اسرار خلقت می‌خواهد آنان را به سوی خدا هدایت کند و بر این اساس می‌فرماید:

﴿ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین﴾^۲

و یا می‌فرماید:

﴿کتاب انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور﴾^۳

پس اگر در قرآن آیاتی در باره کیهان شناسی، انسان شناسی و سایر مسایل علمی مشاهده می‌گردد در راستای اهدافی می‌باشند که قرآن آنها را دنبال می‌کند، و دلایلی بر اثبات اعجاز قرآن نیز می‌باشند تا بتواند از این رهگذر ارتباط خود و آورنده خود را با مبدأ آفرینش (جلت عظمته) اثبات کند.

آری در راستای این اهداف در قرآن مجید اسراری وجود دارد که همه انسانها نمی‌توانند به آنها دست یابند بلکه نیاز به راهنمایی افرادی برتر و بالاتر دارند تا از مشکاة علم و دانش آنان به آن اسرار دست یابند.

مولای متقیان علی علیه السلام در نهج البلاغه درباره قرآن می‌فرماید:

«فأله الله ایها الناس فیما استحفظکم من کتابه و استودعکم من حقوقه فان الله لم یخلقکم عبثا و لم یترکم سدی و لم یدعکم فی جهالة و لاعمی. قد سمی آثارکم، و علم اعمالکم و کتب آجالکم. و انزل علیکم الکتاب

تبیانا لکل شیء و عمر فیکم نبیه از مانا حتی اکمل له و لکم فیما انزل من کتابه دینه الذی رضی لنفسه و انهی الیکم - علی لسانه - محابه من الاعمال و مکارهه و نواهیه و اوامره فالقی الیکم المعذره و اتخذ علیکم الحجة، و قدم الیکم بالوعید و انذرکم بین یدی عذاب شدید»^۱

و از این سخنان به خوبی استفاده می شود که غرض از نزول قرآن تکمیل دین بوده و در حدی که لازم بوده برای شناخت دین آیاتی را در قرآن نازل کرده و حجت را بر مردم تمام کرده است

فیض کاشانی در کتاب علم الیقین از بعضی علماء نقل می کند که سور و آیات قرآن در شش نوع منحصر می گردند.

سه نوع از آنها اصول و مهمات هستند:

یکی از آنها تعریف مدعو الیه است (شناساندن خدا به مردم) و آن مشتمل است بر معرفت ذات حق و معرفت صفات حق و معرفت افعال حق.

و نظر به اینکه معرفت ذات خدا دشوارتر از سایر معارف است و فکر کمتر می تواند به آن راه یابد در قرآن مجید فقط تلویحات و اشاراتی آمده است که بیشتر آنها به ذکر تقدیس مطلق خداوند بر می گردند مانند آیه شریفه:

﴿لیس کمثله شیء﴾^۲ و یا مانند سوره اخلاص و یا آنکه به تعظیم مطلق الهی بر می گردند مانند آیه شریفه ﴿سبحانه و تعالی عما یصفون، بدیع السموات و الارض﴾^۳

و اما صفات الهی: پس نظر به اینکه مجال در آنها گسترده تر و منطقه سخن در آنها وسیع تر است آیاتی که مشتمل بر ذکر صفات می باشند بیشتر هستند، مانند آیاتی که مشتمل بر ذکر علم، قدرت، حیات، حکمت، کلام، سمع، بصر و غیر اینها می باشند.

۱ - نهج البلاغه، خ ۸۶. «پس ای مردم! خدا را! خدا را! بیائید و در آنچه از کتاب خود شما را نگاهبان کرده و حقوقی که نزد شما به ودیعت سپرده، و وظیفه امانت را رعایت نمایید. که خدای سبحان شما را بیهوده نیافریده و رها نگذاشته و در نادانی و کوریتان نداشته چه به شما گفته است چه بایدتان کرد. و آموخته است که چه خدمتی تان باید آورد و نبشته است که تومار زندگی تان را کی خواهد سپرد. و قرآن را که بیان دارنده هر چیز است بر شما فرو فرستاد و پیامبر خویش را روزگاری میان شما زندگانی داد تا به آیه ها که در کتاب خود نازل فرمود دینی را که پسندید برای او و شما کامل نمود و به زبان او به شما خبر داد که چه را می پسندد و چه را خوش نیاید. از چه باز می دارد و کردن چه کار را فرماید، چنان که راه عذر را بر شما بست و حجتی گرفت که از آن نتوانید رست. بیک تهدید را به سوی شما پیش راند و از کیفر سختی که پیش رو دارید بترساند».

۳ - سوره انعام / ۱۰۱ و ۱۰۲.

۲ - سوره شوری / ۱۰.

و اما افعال حق: پس آنها دریایی هستند که اطراف آن وسیع و استقصاء قلمرو آنها غیر ممکن است بلکه در جهان هستی جز ذات باری تعالی و افعال او چیز دیگری وجود ندارد و ما سوای حق، فقط فعل او است.

ولیکن قرآن مشتمل بر یک سلسله افعال جلی است و یا به تعبیر دیگر مشتمل بر افعال حق است که در عالم حس و شهادت وجود دارند مانند ذکر آسمانها، ستارگان، زمین، کوهها، دریاها، حیوان، گیاه، فرستادن آب گوارا از آسمان و سایر اسباب حیات گیاه که اینها همه برای حس آشکار بوده ولیکن اشرف افعال و اعجب آنها و بهترین دلیل بر عظمت صانع آنها، افعالی هستند که با حس دیده نمی شوند بلکه از عالم ملکوت می باشند و در قرآن مجید تنها اشارات و رمزهایی از آنها وجود دارد زیرا ادراک بیشتر مردم از فهم آن افعال قاصر است. و این نوع با تمام اقسامش قلب قرآن و لب قرآن و سر آن می باشد.

نوع دوم آیاتی هستند که راه سلوک به سوی حق را به ما نشان می دهند و این آیات مشتمل هستند بر اموری که موجب اقبال و توجه به حضرت حق و اعراض از غیر او می باشند که همه آنها به توحید و یا کلمه اخلاص برگشت می کنند و در این زمینه می فرماید:

﴿واذکرو الله ذکراً کثیراً﴾^۱ و ﴿لا تلهکم اموالکم و لا اولادکم عن ذکر الله﴾^۲
﴿و تبتل الیه تبیتلاً﴾^۳ و ﴿قد افلح من زکاهها و قد خاب من دساها﴾^۴ و ﴿قد افلح من تزکی، و ذکر اسم ربه فصلی﴾^۵ و مانند اینها که در قرآن بسیارند.

نوع سوم در مقام شناساندن حال و اصلین الی الله می باشد و این دسته از آیات مشتمل بر ذکر نعمتهایی هستند که واصلان به خدا به لقای آنها رسیده و در بهشت موعود آرمیده اند و یا برعکس مشتمل بر ذکر عذاب و شکنجه هایی هستند که محجوبین به آنها گرفتار شده اند و در دوزخ مسکن گزیده اند و یا مشتمل بر مقدمات حالات آنان می باشند مانند آیات مربوط به حشر و نشر و حساب و میزان و صراط که حدود یک سوم قرآن را تشکیل می دهند.

و سه نوع دیگر از آیات قرآن توابع و متممات هستند که

بعضی از آنها حالات محبین و دوستداران اطاعت و لطائف صنع الهی را در حق

۲- سوره منافقون / ۹.
۴- سوره شمس / ۹ - ۸.

۱- سوره احزاب / ۴۱.
۳- سوره مزمل / ۸.
۵- سوره اعلی / ۱۴.

آنان بیان می‌دارند. مانند داستانهای پیامبران، اولیاء و فرشتگان و یا برعکس حالات متمردان از اطاعت و فرمانبرداری خدا را توضیح می‌دهند.

و فایده این دسته از آیات، ترغیب و ترهیب و تنبیه و اعتبار دیگران می‌باشد و در این آیات اسرار و رموز و اشاراتی است که نیاز به تفکر و تدبیر دارند. و بعضی دیگر آیاتی هستند که حالات منکرین و رسواییها و اباطیل آنها را بیان می‌دارند.

و پاره‌ای دیگر، منازل و راههایی را که انسان باید بیاماید و خود را آماده سفر به آنها سازد بیان می‌دارند.^۱

به هر حال قرآن با هر بیان، هدف خود را که رسیدن به خدا است، دنبال می‌کند و آن را به طور صریح و آشکار و یا رمز و اشاره به ما می‌فهماند و آنها را گوشهای شنوا و چشمهای بینا و دلهای آگاه درک می‌کنند.

و در قرآن اسراری است که خدا و پیامبر و جانشینان آنان، آنها را درک می‌کنند. کلینی در کتاب کافی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

«خداوند عزیز جبار قرآن را برای شما فرستاد و آن صادق و راستگویی است که خبرهای شما و اخبار گذشتگان و آیندگان شما را در آن آورده و اخبار آسمان و زمین را در آن نقل کرده است و اگر کسی نزد شما بیاید و شما را به آنها خبر دهد تمجب خواهید کرد».^۲

و در خبر دیگری آورده است که خداوند در قرآن، حکم هر چیزی را بیان داشته و به خدا سوگند هر چیزی را که بندگان به آن احتیاج داشته‌اند در قرآن آورده است.^۳ و همچنین در روایت دیگری می‌فرماید:

«هیچ امری نیست که دو نفر در آن اختلاف داشته باشند مگر آن که حکم آن در قرآن آمده است ولیکن عقول رجال به آنها نمی‌رسد».^۴

و از این گونه روایات استفاده می‌شود که قرآن دارای دو دسته آیات است؛ یک

۱- علم الیقین، فیض کاشانی، ج ۱، صص ۵۶۱ - ۵۵۸.

۲- کافی، کتاب فضل القرآن، ج ۲، ص ۴۳۸؛ «قال ابو عبدالله علیه السلام: ان العزيز الجبار انزل عليك كتابه و هو الصادق البار، فيه خبركم و خبر من قبلكم و خبر من بعدكم و خبر السماء و الارض و لو اتاكم من يخبركم عن ذلك لتمجبتم».

۳- کافی، کتاب فضل العلم، باب الرد الى الكتاب و السنة؛ «ان الله تعالى انزل في القرآن نبیان کل شیء، حتی والله ما ترک الله شیئاً يحتاج اليه العباد...».

۴- کافی، همان؛ «ما من امر یختلف فيه اثنان الا و له اصل فی کتاب الله، و لكن لا تبلغه عقول الرجال».

دسته آیاتی هستند که فهم آنها برای همگی امکان پذیر است و دسته دیگر آیاتی هستند که فهم آنها برای همه امکان پذیر نیست، بلکه کسانی می توانند آنها را بفهمند که خداوند متعال به آنها بینش دیگری در درون آنها قرار داده که می توانند با آن بینش باطنی اسراری را که در آن دسته از آیات وجود دارد، بفهمند و وجود این آیات منافات با آن ندارد که قرآن نور است و اگر نور است، پس باید فهم آن برای همه مردم ممکن باشد، زیرا نور بودن قرآن یک مسأله است و بینش های مردم مسأله دیگری است، بنابراین اگر عده ای از مردم نتوانسته باشند اسرار یک دسته از آیات را درک نمایند قصور از طرف خود آنان می باشد، نه آنکه قرآن نور نیست، پس کسانی که قادر به درک و فهم اسرار مذکور نیستند مانند کسانی می مانند که در روز روشن خورشید را نمی بینند.

برای روشن شدن این حقیقت توجه شما را به داستانی که مرحوم آیه الله العظمی سید محسن حکیم در حقائق الاصول در این مبحث که قرآن دارای هفت بطن یا هفتاد بطن است آورده و آن داستان این است که می فرمایند بعضی از اعظام (دام تاییده) یک روزی با جماعتی از علماء و اعیان از جمله سید اسماعیل صدر (رحمه الله) و حاج سیرزا حسین نوری صاحب مستدرک و سید حسن صدر (دام ظلّه) وارد گردید و آخوند آیه شریفه: ﴿واعلموا ان فيكم رسول الله﴾ را تلاوت کرد و جمله ﴿حبب اليكم الايمان﴾ را تفسیر فرمودند و پس از بیان طولانی وقتی آن را توضیح دادند همه حاضران آن را معنایی واضح و روشن دانسته و بسیار تعجب کردند که چگونه به آن معنی توجه نکرده اند و روز دوم نیز به همین منوال آن جمله را اما به نحو دیگر تفسیر کرد و حاضرین این تفسیر را نیز تفسیری روشن و واضح دانسته و تعجب کردند که چگونه خود نتوانسته اند این تفسیر را با این همه وضوح درک نمایند و روز سوم نیز تفسیر دیگری از جمله مذکور نمودند و بالاخره قریب به سی روز همین جمله را تفسیر و هر روز معنای جدیدی از آن بیان می داشتند و همه آن را روشن و واضح دانسته و بسیار تعجب می کردند که چرا نتوانسته اند خود آن را بفهمند و در آخر می نویسد: «وقد نقل الثقات لهذا المفسر کرامات»^۱

و به هر حال فهم آیات قرآن در اثر حجابهای درونی برای بسیاری از مردم امکان پذیر نیست ما از خداوند متعال می خواهیم که به ما قلبی آگاه مرحمت فرماید تا بتوانیم با کلام خداوند آشنایی بیشتری پیدا نمائیم.